KAYNAK: T. Yazıcı-A. N. Tokmak-M. Kanar, ***Eski İran Nesrinden Seçmeler***, **s. 105**

**فتح سیستان (از تاریخ سیستان)**

حدیث فتح سیستان به روزگار عثمان بن عفّان. در سنۀ ثلاثین چون خبر مجاشع به نزدیک عثمان رسید که او از سیستان باز گشت، بر آن حال/ ربیع بن زیاد بن اسد الذیال الحارثی را با سپاهی بفرستاد سوی عبدالله بن عامر که : این به سیستان فرست. عبد الله او را بفرستاد به سیستان. به پهرۀ کرمان برسید.

آن را به صلح بدادند و از آنجا به جالق شد. مهتر آن با او صلح کرد. باز ربیع او را گفتا: مرا سوی سیستان راه باید نمود. گفت: اینک راه! چون از هیرمند بگذری ریگ بینی و از ریگ بگذری سنگریزه بینی، ز آنجا خود قلعه و قصبه پیداست. ربیع رفت و سپاه بر گرفت، هیرمند بگذاشت. سپاه سیستان بیرون آمد پیش، حربی سخت کردند و بسیار از هر دو گروه کشته شد و از مسلمانان بیشتر کشته شد. باز مسلمانان نیز حمله کردند. مردم سجستان به مدینه باز گشتند. پس شاه سیستان ایران بن رستم بن آزادخو بن بختیار موبد موبدان را و بزرگان را پیش خواند و گفت: این کاری نیست که به روزی و سالی و به هزار بخواهد گذشت، و اندر کتابها پیداست، و این دین و این روزگار تا زمان سالیان باشد و به کشتن و به حرب این کار راست نیاید و کسی قضاء آسمانی نتاند گردانید.